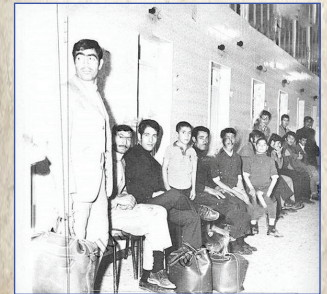


گپ و گعده تا رسیدن نوبت

ویژگی: نفاقت ویژه سال نو

موضوع: حمام شب عید

از چند روز مانده به سال نو به ویژه تا لحظه سال تحویل، گرمابه‌ها از فرط مراجعه جماعت جا برای سوزن انداختن نداشتند. حتی کار به فعالیت ۲۴ ساعته می‌رسید و یک نفر از اعضای خانواده مأمور بود تا برای اهل خانه به صورت جداگانه زانه و مردانه نوبت بگیرد. سیدرسول امینی، تهران پژوه، تعریف می‌کند: «همیشه شب‌های عید صف‌های طولانی در حمام‌ها شکل می‌گرفت و مردم ساعت‌ها برای نوبت‌شان منتظر می‌ماندند. جالب اینجاست که کسی به ماجرا و انتظارهای طولانی اعتراضی نداشت و از همین فرصت هر کسی برای دورهمی و گپ و زدن استفاده می‌کرد. این انتظار



برای بچه‌ها هم یک تفریح محسوب می‌شد و تا زمان رسیدن نوبت دسته‌جمعی در حوالی حمام بازی می‌کردند. البته این حمام شب عید در واقع آخرین مرحله همه بدودوهای استقبال از سال نو محسوب می‌شد.»

امینی در بخش دیگر خاطراتش از حال و هوای حمام‌های شب یادی می‌کند: «معمولا به مناسبت سال نو، لنگ‌های نو جایگزین لنگ‌های کهنه می‌شدند. قدیم ترها رختکن حمام‌های قدیمی معمولا چهارسکو و ستون داشت، برای استحکام بنا بین ستون‌ها تیرهایی می‌کشیدند. سال نو که از راه می‌رسید برای زیبایی بیشتر میان تیرها را با کاغذهای رنگی می‌پوشاندند و روی این تیرها شیشه‌های قلیان بلوری را که از مد افتاده بودند، می‌چیدند و در فاصله بین آنها هم کاغذهای رنگی لوله شده قرار می‌دادند. داخل کوزه این قلیان‌های بلور که اغلب گل سرخ‌های برجسته وسطش داشت آب جوهر می‌ریختند تا فضا زیباتر شود. البته ناگفته نماند در قدیم حمام‌ها با آمدن دوش به دویخش عمومی و خصوصی (نمره) تبدیل شدند و این فضای بیشتر در بخش عمومی که حال و هوای خزینه‌های قدیمی را داشت انجام می‌شد.»

این تهران پژوه همچنین از حمام خورشید در محله سلسبیل یاد می‌کند: «خدا رحمت کند، مدبر این حمام حسین سیف‌نورین بود و ۲ کارگر به نام‌های خادیار و هوشنگ داشت که اغلب مردم همه اشیای ارزشمندشان را دست آنها می‌سپردند و با خیال راحت برای استقبال از سال نو حمام می‌کردند.»



وقف ماندگار دولاب

حمام قدیمی ماندگار که چند سالی است به گود زورخانه تغییر کاربری داده یکی از بناهای قدیمی و ارزشمند محله دولاب است. حمامی که برای ساختش بنا بر تعریف ریش سفیدان محله، ماجراهای جالبی مثل زائری که هزینه سفر زیارت خانه خدا را برای رفاه بنده‌های خدا، صرف بنا کرد از سر گذراند. البته این روزها با تبدیل شدنش به گود زورخانه، پاتوقی برای انجام امور خیریه و رفع نیاز و احتیاجات اهالی به همت ورزشکاران شده است. محمود منیعی، تهران پژوه درباره ماجرای ساخت این حمام و بانی خیرش تعریف می‌کند: «قدیم‌ها سفر حج رفتن به راحتی امروز نبود. هر کسی که نیت رفتن به خانه خدا را می‌کرد، باید ماه‌ها و حتی سال‌ها برای این سفر ارزشمند در انتظار می‌ماند و هر زائر هزینه قابل ملاحظه‌ای را متحمل می‌شد. با این شرایط بخشیدن پول سفر حج و خرج کردن آن برای ساخت حمام کار بزرگی محسوب می‌شد. اما ماجرای بخشیدن هزینه‌های سفر حج از سوی آن زائر خیر که اهالی از آن یاد می‌کنند، چه بود؟ روزی یکی از زائران سفر حج که مسیرش به دولاب می‌افتاد، از قصه حمام نداشتن محله دولاب خبردار می‌شود و با وجود عشق و علاقه‌اش به این سفر معنوی پرفیض و برکت، هزینه آن را صرف ساخت حمام در این محله می‌کند. حمام ساخته شده وقف عام می‌شود و بخشی از درآمد حاصل از حمام صرف نگهداری و تعمیرات خود حمام می‌شود و بخش دیگر آن هم برای کمک به نیازمندان محله مورد استفاده قرار می‌گیرد.»

به گفته این تهران پژوه، قدمت

بنای حمام قدیمی دولاب تقریبا به حدفاصل سال‌های آخر قاجار و اوایل پهلوی می‌رسد. اما آنچه از خاطرات بومی‌های قدیم محله نقل شده این است که تا زمان جنگ جهانی دوم و اشغال تهران در شهریور سال ۱۳۲۰ خورشیدی، بر سر در این گرمابه یک کاشی لاجوردی نصب بود که در آن سال ساخت حمام حک شده بود. اما متأسفانه سربازان انگلیسی این کاشی را کنده و با خود بردند. این حمام صبح‌ها زانه و عصرها مردانه بود و با گذشت زمان و رفت‌وآمد افراد سرشناس محله توسعه پیدا کرد و بنای حمام ۲ بخش تقسیم شد؛ بخش کهن و بخش جدید. منیعی همچنین درباره تغییر کاربری این حمام به زورخانه دولاب می‌گوید: «به مرور زمان با تغییر سبک زندگی و ساخت حمام در خانه‌ها، این حمام قدیمی از رونق افتاد، اما به واسطه معماری زیبایی که در بخش قدیمی داشت، مثل سکوهایی که در اطراف فضای مرکزی آن وجود داشت، طاق‌ها و سقف زیبا و کاشی‌های آبی‌رنگی که برای فضای داخلی آن در نظر گرفته شده بود، این حمام سال ۱۳۹۳ خورشیدی تغییر کاربری داد و تبدیل به زورخانه شد.»

روزگار سخت تون تاب‌ها در اتاق تون

شیوه تأمین سوخت و گرم نگه‌داشتن آب حمام‌های سنتی در روزگار قدیم از وجود امکانات بدوی و ابتدایی برای نفاقت عمومی اهالی تهران قدیم حکایت دارد.

نخستین حمام‌های عمومی تهران به دیگ‌های بزرگی مجهز بودند که مخزن سوخت هم به شمار می‌رفتند. آنطور که در برخی منابع مکتوب آمده، گرم نگه‌داشتن دیگ حمام با هیزم یکی از سخت‌ترین مشاغل آن روزگار بوده و کمتر کسی به کار کردن در اتاقک‌های ترسناک سوخت‌رسانی حمام‌ها راضی می‌شده است.

محمود منیعی، تهران پژوه، درباره شیوه تأمین سوخت نخستین حمام‌های تهران می‌گوید: «نخستین حمام‌های تهران، اتاق تون داشتند؛ اتاقکی که یک نفر در آن مستقر می‌شد و با سوخت‌های متداول مثل نفت، گازوئیل و گاهی با هیزم خشک و تپاله گاو دیگ

حمام را گرم نگه می‌داشت. به این شخص تون تاب می‌گفتند و عوام شغل تون تابی را یکی از حقیرترین مشاغل دوره صفوی و قاجار می‌دانستند.» درباره تأمین سوخت و روشنایی حمام‌های قدیمی تهران هم روایت‌های مختلفی نقل شده است.

منیعی معتقد است سیر روشنایی حمام‌های سنتی تهران با گذشت زمان تکمیل شده است. او در این باره می‌گوید: «روشنایی فضای داخلی نخستین حمام‌های تهران با استفاده از سنگ‌های معروفی به نام «سنگ روشنایی» یا «سنگ شیشه» که در بام حمام کار می‌گذاشتند امکان‌پذیر بوده



است. گفته می‌شود در برهه‌ای به این سنگ‌ها جسم حمام هم می‌گفتند و دهخداواژه «جام حمام» را که در برخی ابیات آمده همان سنگ شیشه‌هایی دانسته که برای تأمین روشنایی نصب می‌کردند. برای تأمین روشنایی فضای داخل حمام ایده جالب دیگری هم وجود داشته است. در برخی حمام‌ها، سنگ بزرگ شفاف که سبز کمرنگ بود، فضای یکی از دیوارها را احاطه می‌کرد و روشنایی روز پس از تابیدن روی این سنگ، داخل حمام را روشن می‌کرد. بعدها استفاده از چراغ برق متداول شد و محفظه‌ای بیرون از فضای داخلی را به نصب چراغ برق اختصاص دادند که اتصال الکتریسیته ایجاد نشود. سنت حمام رفتن بعد از غروب آفتاب از آن زمان میسر شد.»



موضوع: حمام زورخانه دولاب

ویژگی: تأمین نیاز بهداشتی اهالی و پاتوقی برای ورزشکاران



موضوع: تأمین سوخت حمام‌های سنتی

ویژگی: حمام‌های قدیمی به اتاق تون که حکم موتورخانه را داشت مجهز بودند